وآنان که در راه ما با جان ومال جهاد کردند محققاً آنان رابه راه خویش هدایت
می کیم و همیشه خدا یار نیکو کاران است
قرآن کریم

مجاهد

ارگان نشراتی جمعیت اسلامی افغانستان

دور ششم سال اول شماره بیست وپنجم چهارشنبه ۱۷ ثور ۱۳۸۲ - ۵ ربیع الاول ۱۴۲۴ - 7 May 2003

سرمقاله
طالبان از آغاز یک حرکت مزدور و دین بر انداز بودند
ص۲

ادبیات ملی و پروسه جهانی شدن
ص٤

باید آزادی بیان را شناخت واز آن حمایت کرد
ص٥



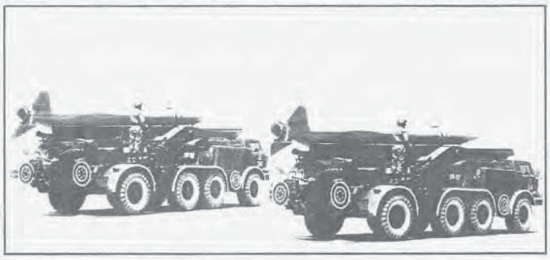
دجهاد دبریالیتوب دیولسمی کلیزی جشن ونمانځل شو

دثور میاشتي اتمه دافغانستان داتل او میړني اولس د اوږده جهاد دبریالیتوب یو ولسمه کالیزه چي تیره اووني دځانګړو او پرتمینو مراسمو په ترڅ کي ونمانځل شوه دهیواد دخپلواکي، ځمکني بشپړتیا، سولي او ثبات دبهرنیو او کورنیو دښمنانو زړونه یي وچول او ځومره چي زموږ دوسله والو ځواکونو دنظم او دسپلین ځلاکاني څرګندي نو ورسره یو ځاي زموږ دهیواد ددښمنانو دسترګو بینایي او رڼا کمیده ۳مخ

استاد رباني د جهاد اومقاومت لاربنود:
کندهار ته زما سفر یو ملی سفر دی

دجمعیت اسلامي افغانستان مشر استاد برهان الدین رباني دشنبي په ورځ کندهار ته ورسید.
دصبح به خیر افغانستان دخبر یال دخبر لـه مخي: محترم استاد پـه کندهار کي دکندهار لـه والـي ګل اقا شیرزي، ددغه ولایت لـه ګڼ شمیر قومي مشرانو، سپین ږیرو، او علماي کرامو سره وکتل. لـه لیدنو کتنو وروسته استاد پـه یو مطبوعاتي کنفرانس کي برخه واخیسته او ویي ویل: زما سفر کندهار تـه یو ملي سفر دي او غـواړم چي ثابته کړم شمال دي کـه جنوب دي ټول یو افغانستان دي، پښتون دي کـه ازبک دي یا هزاره دي کـه پلوڅ دي ټول یو متحد ملت او قوم دي. مونږ په اوسنیو شرایطو کې ۸ مخ





دماین پاکولو دموسسي موټر تر بزو لاندي راغي

د امنیتي سرچینو پـه وینا تیره ورځ د وردګو ولایت دسید اباد ولسوالي پـه سیمه کي د ماین پاکولو د موسسي یو موټر تر بزو لاندي راغي چي پـه پیښه کي موټر چلوونکي و وژل شو او یو تن سخت ټپي شوي دي.
امنیتي چارواکو پـه نوموړي سیمه کي اتـه تنه ددغي پیښي پـه تورنیولي او ویلي یي دي چي دغه کسان د ګلبدین حکمتیار لـه ډلي سره تړاو لري. پیښه تر څیړني لاندي دي.

شورای علمای افغانستان نه جنبش طالبان!
صفحه ۲

سفر وزیر دفاع امریکا به افغانستان

دونالد رامسفلد وزیر دفاع امریکا در پایان جنگ سوم خلیج فارس ضمن باز دید از کشور های حوزه خلیج فارس باز دید کوتاهی از کابل داشته و با حامد کرزی و مارشال فهیم رئیس و معاون دولت در باره وضعیت نظامی و آغاز بازسازی بحث و مذاکره نموده و در کنفرانس مطبوعاتی مشترک پایان عملیات عمده یی نظامی را در افغانستان چند ساعت پش از عین اعلان از سوی جورج بش مبنی بر پایان یافتن عملیات نظامی در عراق اعلان نمود و افزود ما از این پس به سوی مرحله تثبیت اوضاع وباز



سازی در افغانستان پیش می رویم، وزیر دفاع امریکا گفت: اکنون در بیشتر نقاط افغانستان امنیت و ثبات وجود دارد. او در عین حال خاطر نشان کرد که هنوز خطراتی از جانب القاعده و طالبان احساس می شود.

وزیر دفاع امریکا تأکید کرد که سربازان کشورش از این پس تیم های بازسازی را به ولایات مختلف افغانستان خواهد فرستاد تا در کار سازندگی با دولت همکاری کند.
موصوف در مقابل پرسش خبرنگاری گفت: این درست نیست که ما تمام کارها را کرده می توانیم. حل اختلافات میان دولت مرکزی و فرماندهان، والیان در نقاط مختلف کشور به دوش وزارت دفاع، داخله و امنیت می باشد، ما در این زمینه مداخله نخواهیم کرد. ص ۲

کابل – واشنگتن با خط هوایی وصل می شود

واشنگتن وکابل با هفته دو پرواز از فرودگاه دالس به فرودگاه بین المللی کابل وصل می گردد. این برنامه که از ماه جولای آغاز خواهد شد، توسط هواپیما های ام-دی-یازده، آی ورلد سرویس انجام می یابد. به منظور آغاز این برنامه قرار دادی به ارزش یکصد وده میلیون دلار با ورلد سرویس که یک شرکت هواپیمایی بین المللی می باشد، انجام پذیرفته است.
آغاز این پروازها سهولت در رفت و آمد و انتقال اموال تجارتی و موثریت عملیه باز سازی در افغانستان خوانده شده است.

درصفحات داخل می خوانید

مجاهد
ارگان نشراتی جمعیت اسلامی افغانستان
مؤسس: استاد برهان الدین ربانی
سال تأسیس: ۱۳۵۷ خورشیدی
ناشر : دفتر فرهنگی
زیر نظر هیأت تحریر
آدرس : کابل- چار راهی زنبق
صندوق پستی : ۲۲۶
شماره های تلفن:
همراه: ۰۷۰۲۸۵۱۳۹ / دجیتال: ۲۱۰۲۲۲۹
E-mail: mujahidweekly@yahoo.com

سرمقاله

طالبان از آغاز یک حرکت مزدور و دین بر انداز بودند

رئیس دولت آقای کرزی در هفتهء گذشته در جمع شورای علمای افغانستان سخنانی در ستایش از چهره هایی شناخته شدهء گروه بد نام طالبان ایراد کردند.

این سخنان به پیمانه یی گسترده در محافل گونه گون و رسانه های گروهی بازتاب یافت و موجب واکنش هایی شدید گردید. قرار معلوم کابینه دولت نیز به روز دوشنبه گذشته این سخنان رئیس دولت را شدیداً مورد انتقاد قرار داد تاجایی که آقای کرزی ناگزیر شد در عصر همین روز دوشنبه در یک کنفرانس مطبوعاتی به گونه یی به تصحیح و توجیه گفته های پیشین خود در باب طالبان بپردازد. او ضمن توضیح و تبین سخنان خود مجدداً بر صلاح و حسن نیت شماری از چهره های سرشناس طالبان مانند ملا محمد غوث وزیر خارجهء پیشین و ملا یار محمد و... تأکید ورزید.

علل و انگیزه های این سخنان و جهت گیری آقای کرزی در قبال طالبان در این شرایط هرچه بوده باشد اثراتی بسیار بد بر اوضاع سیاسی نا استوار افغانستان وحتی شخص وی به دنبال خواهد داشت.

آقای کرزی باید بدانند که فلسفهء وجودی حکومتی که ایشان در رأس آن قرار دارند بر بنیاد عدم مشروعیت جنبش و اندیشه های طالبان نهاده شده است و مهم ترین عامل گزینش ایشان در بن و سپس در لویه جرگه برای رهبری دولت کنونی همین مخالفت ایشان با این گروه بوده است.

دیگر جای شکی باقی نمانده است که طالبان از آغاز یک گروه مزدور و دین بر انداز بودند. از همان وهلهء نخست، هسته های آغازین این گروه در ولسوالی پنجوایی کندهار به وسیله نصیر الله بابر وزیر داخلهء وقت پاکستان گذاشته شد و بارها نصیر الله بابر وخانم بی نظیر بوتو نخست وزیر پیشین پاکستان افتخار ایجاد جنبش طالبان را به خود نسبت می دادند و می دهند.

طالبان جزئی از برنامهء وسیع بیرونی در جهت جلوگیری از ایجاد یک افغانستان متحد ونیرومند بودند که از سوی برخی از همسایگان ما که به افغانستان به عنوان عمق استراتژیک خود نظر می افگندند تا یک کشور مستقل و آزاد پی ریزی گردیده بود وبه وسیله شریکان استراتژیک آنها در منطقه حمایت وپشتیبانی می شد.

این درست است که جنگ های تحمیلی نزدیک به پنج سال پس از پیروزی مجاهدان و فشار و آزار شماری از فرماندهان محلی مردم ستمکشیدهء این سرزمین دردمند را بسیار افسرده بود ولی باید توجه کرد که هدف طالبان در بسیاری از موارد پیش از چنین افرادی ساحات پرامن و رجال نیک نام و خدمتگزار بود.

طالبان با اندیشه های بدویانهء سنتی و گرایش های شدید فاشیستی ابزاری خوب بودند در دست دشمنان افغانستان متحد و نیروند. پهلوی گرایش های فاشیستی طالبان بر اندیشه های متحجر و سنتی آنان از اسلام می چریید. جنایت های آنان در شمالی و خواجهء غار و بامیان و... بیشتر از این بعد ترکیب آنان ناشی شده است تا از نحوهء برداشت آنان از تعالیم اسلامی. ابتدایی ترین آموزندگان تعالیم دینی می دانند که جان و مال و نفس و عرض مسلمانان مصئون است و به هیچ دلیلی نمی توان به ساحت آن ها تجاوز کرد.

مگر همهء این جنایات که تاریخ پرحادثهء بشری نظیر آن را کمتر دیده است در برابر سران این گروه و بل به فرمان آنان انجام نیافته است؟! مگر همین ملا محمد غوث که مورد ستایش آقای کرزی قرار گرفته است یکی از فرماندهان طراز اول طالبان در نخستین حملهء آنان بر شمال کشور به ویژه شهر مزار شریف نبود؟ آیا روشن نیست که این جنایتکاران در پیش از روبه رو شدن به خشم مردم چه ها بر سر مردم مظلوم این دیار نیاوردند؟

این درست است که شماری از رهبران طالبان در اثر زدوبندهای درونی از صحنهء اقتدار کنار زده شدند ولی هرگز در چنین مواردی دلیلی بر عدم شرکت آنان در جنایات ویا مخالفت آنان با کردارهای ضد انسانی این گروه در دست نیست.

گروه طالبان، به هیچ گونه نمی توانند خویشتن را به عنوان نمایندگان قوم پشتون جای بزنند چه، شخصیت هایی بسیار بزرگ از این قوم در برابر جنایت ها و خیانت های آنان مردانه ایستادند و برای وحدت و سلامت و یک پارچگی افغانستان یاری رسانیدند که می سزد به پاس این خدمات ملی همواره اینان مورد ستایش دولتمردان قرار گیرند نه طالبان. در مقابل شماری فراوان از صاحبان گرایش های فاشیستی بی آن که کمترین احساس عاری در برابر اعمال ضد انسانی این گروه به خود راه بدهند به جمع آنان پیوستند و در اروپا و آمریکا به پیرایش و آرایش دیپلوماتیک کارنامه های آنان پرداختند و با تأسف که شماری از این افراد در رده های بالایی حکومت آقای کرزی هم کم نیستند و بسیار محتمل است که این اظهارات اخیر جناب کرزی در بارهء طالبان به مشوره های آنان انجام شده باشد تا هم آنان قدر شناسی یاران پارین را پاس داشته باشند و هم تکیه گاهی برای اندیشه های این چنینی خویش دست و پا کنند!!

به هر حال چنین اظهاراتی نا عاقبت اندیشانه گذشته از آن که با ارزش های بنیادین حکومت آقای کرزی، ایجاد نظام دموکراسی و جامعهء مدنی و تأمین حقوق بشر و رعایت حقوق زنان و... در تضاد است، وحدت ملی و سلامت افغانستان و همکاری اعضای دولت و حکومت را شدیداً آسیب می رساند و آنگاه هیچ کسی سود نخواهد برد.

شورای علمای افغانستان، نه جنبش طالبان!

ابوبکر سبزوار

در قدرت و تاثیری که علمای دین در کشور ما بر جامعه دارند جای تردید و شکی نیست. وقتی پا از دروازه های کابل به بیرون می گذارید این قدرت ونفوذ را بیشتر احساس می کنید و در کابل نیز سخنی که از منبر مسجد به گوش مردم می رسد، تاثیر گذار تر از سخن سیاستمداران و دولتمردان است.

در تاریخ مواردی را نیز شاهدیم که کسانی از این قدرت و نفوذ گستردهٔ علمای دینی به نفع خویش گاهی استفاده سوء نموده اند. حتی بسیاری به این باور اند که رژیم طالبان و به قدرت رسیدن این گروه در کشور ما دسیسه یی بر ضد همین قدرت و نفوذ علمای دین بوده است تا آنان را در نزد مردم بی اعتبار و در نتیجه خلع قدرت سازند.

با توجه به این تجربه زمان آن فرا رسیده است که علمای دین با دقت و توجه بیشتر با جریانات ماحول خویش بر خورد نمایند و قبل از پیوستن به هر حرکت و یا لبیک گفتن به هر دعوتی به کنه و ماهیت قضیه نیز توجه کنند تا بار دیگر تجارب گذشته تکرار نشود.

تشکیل شورای علماء در اصل کار بسیار به جا و قابل تایید است. اگر هدف از این شورا دادن مشوره های مطابق به شرع به دولت باشد و درجهت جلوگیری از مفاسد اجتماعی و رواج منکرات امر به معروف صورت گیرد و نهی از منکر. ولی اگر هدف از به وجود آمدن چنین شورا آن باشد که فقط یک فرد یا یک گروه کوچک با بهره گیری از قدرت علمای دین در صدد تحکیم موضع سیاسی خود باشند این کار ضربه یی بس بزرگ هم بر شورا و هم بر وجهه علمای عضو این شورا وارد خواهد کرد.

مشخص است که محترم مولوی فضل الهادی شنواری قاضی القضات از طرف جناب کرزی موظف به ساختن این شورا گردیدند و در انتخاب علما هم رای و نظر جناب مولانا شنواری کاملاً دخیل بود. بودجهء هنگفت این کار را نیز مقام محترم ریاست دولت از کیسهء پر سخاوت خویش می پردازد که خداوند (ج) آن را در حسنات شان حساب فرماید، ولی سوال این جاست که در این خیرات و تبرعات فقط رضای خدا مضمر است یا قصد و هدف دیگری نیز وجود دارد.

در جلسهء افتتاحیهء شورای علما که روز چهارشنبه ۱۰ ثور در تالار رادیو افغانستان دایر گردید محترم مولانا شینواری در بیانیهٔ خویش فرمودند که من با آقای کرزی در این مورد تفاهم نمودم و ایشان هم به این باور اند که آن دسته افراد القاعده که دست شان زیاد به خون ملت رنگین نیست باید در سرنوشت سیاسی کشور مداخله داشته باشند.

چون نوبت به آقای کرزی رسید ایشان بخشی از صحبت خویش را به این مطلب اختصاص دادند که طالبان چه کسانی بودند و سپس به تجارب شخصی خویش در دوران جهاد در تماس با طالبان سخن گفتند و نتیجه گرفتند که اکثریت طالبان مردمان بسیار پاک و منزه از خیانت به کشور و مردم بودند و در میان آنان فقط افرادی انگشت شمار را می توان خاین و جانی شناخت که نام های آنان نیز مشخص است و تحت تعقیب قرار دارند.

آقای کرزی از قوماندانان مشهور طالبان چون ملا بورجان و ملا یار محمد به نیکی یاد کرد که تعجب برانگیز بود. آقای کرزی تصریح نمود که از ملا محمد غوث نخستین وزیر امور خارجهء طالبان نیز دعوت نموده است که به کابل بیاید.

تردیدی نیست که محترم کرزی از آغاز تحریک طالبان با آن هاهمکار بود و به خاطر دوستی نزدیک با ملا محمد غوث او کاندیدای نمایندگی حکومت طالبان در نیویارک نیز بود، اما بعد از ماجرای جنرال ملک و طالبان که دوری ملا محمد غوث از مقام وزارت امور خارجه را به دنبال داشت، محترم کرزی نیز شانس رسیدن به آن مقام را از دست دادند که البته این بد شانسی آن روز به خیر امروز شان تمام شد وگرنه امروز به جای رسیدن به ریاست دولت انتقالی اسلامی افغانستان مانند عبدالحکیم مجاهد در گوشه یی مجبور به پنهان شدن بودند.

اما اکنون که شانس به محترم کرزی یار است ایشان نیز در فکر تحکیم قدرتند. از آنجا که مشکل نداشتن حمایت گستردهء مردمی مانع بزرگ در راه به دست آوردن رای مردم است آقای کرزی مبارزهء انتخاباتی خود را از همین اکنون سازمان داده اند که البته این حق ایشان است اما آنچه مورد سوال است شیوهء این مبارزه است.

آقای کرزی در شرایط فعلی دارای مزایایی اند که رقیبان اجتماعی آیندهء او فاقد آن هستند. یعنی ایشان نه سابقهء جنگ با طالبان را دارند و نه با حزب اسلامی آقای حکمتیار را. اصولاً آقای کرزی سابقهء دشمنی با هیچ کس حتی با کسانی که پدرشان را به شهادت رسانیده اند، ندارند. رقیبانِ او به دلایلی زیاد نمی توانند در انتخابات به کسب حمایت طالبان یا آقای حکمتیار بپردازند بنابر این آقای کرزی به درستی تشخیص داده اند که اتکاء به این دو گروه به نفع شان است.

از جانب دیگر تشکیل شورای علماء نیز راه دیگری است برای جلب آرای مردم در انتخابات. زیرا علمای که بعداز شرکت در این همایش به ولایات خویش بر گشتند احساس بهتر در مورد دولت انتقالی را به مردم انتقال خواهند داد.

اکنون باید دید که طرف های دیگر بازی انتخابات آینده در برابر این ابتکارات آقای کرزی چه واکنشی از خود نشان خواهند داد. ترس از آن است که کسانی دیگری به تاسی از آقای کرزی به مقابله بالمثل بپردازند و مثلاً اعلام نمایند که تره کی و امین و کارمل و سایر شرکاء همه مردمی خوب بودند و در میان آنان فقط تعدادی انگشت شمار خاین بوده اند. اگر خدا ناخواسته چنین شود می توان حکم کرد که اگر خاین و جاسوس و وطن فروشی در این کشور بوده است ما ملت بیچاره و مظلوم بوده ایم و باید بر ما ظلمی چنین بزرگ می رفت که رفته است... تا نظر شما چه باشد؟

به هر صورت طرف های رقیب در مبارزات انتخاباتی توجه داشته باشند که از ثوابت تغییر ناپذیر منافع ملی مردم افغانستان عدول نکنند و خطوط سرخ فاصل میان خاین و خادم را برای دست یافتن به اقتدار خویشتن از بین نبردارند.

سفر وزیر دفاع امریکا...

به نظر تحلیل گران این گفته وزیر دفاع امریکا متوجه آن عده والیان و فرماندهانی است که روابط خوب و نزدیک با کابل ندارند و اوامر و هدایات مرکز کمتر در آن ولایات عملی شده و به آن ها توجه جدی نمی شود.

اعلان پایان یافتن عملیات عمده یی نظامی از سوی امریکا در زمانی صورت می گیرد که گروه های مخالف دولت دست به تحرکات زده و حتی چندین ولسوالی را به اشغال خود در آورده اند، رفت و آمد شان از خارج مرزها تشدید گردیده و برخی حلقات معلوم الحال سعی دارند تا میان بقایای القاعده، طالبان و حزب گلبدین اتحاد و اتفاق ایجاد نمایند. بناءً نمی توان تصور نمود که فعالیت های تخریبکارانه دشمنان وطن پایان یافته و خطر ایشان رفع گردیده است، بلکه هرلحظه می توانند برای دولت مشکلات ایجاد کنند.

اما در رابطه به بازسازی، بارها اعلان کرده اند که بازسازی آغازگردیده است وحتی در سال گذشته در حدود دو ملیارد دلار به این نام مصرف گردیده است اما آثار ملموسی از صرف این پول گزاف در عرصهء بازسازی به چشم نمی رسد.

سفر وزیر دفاع امریکا که بعد از یک هفته بنا بر دلایل امنیتی به کشور صورت گرفت به نظر تحلیلگران هیچ دست آوردی برای دولت نداشته است و نیز نمی توان در آینده نزدیک بر عملی شدن وعده های بازسازی اعتماد و اطمینان کرد، زیرا که چنین وعده هایی تازگی ندارد والبته درباره آن سخنانی زیاد گفته شده است.

علل وانگیزه های درگیری های خونین اخیر در بالا مرغاب

علی کوهستانی

بنا به اظهارات مکرر رادیوها و مطبوعات طی ماه گذشته، ضمن یک عملیات تصفیوی شهرک بالا مرغاب توسط نیروهای دولتی از وجود بقایای طالبان پاکسازی گردید و یک بار دگر امن و آسایش مجدد در منطقه مستقر شد.

اما دربارهٔ این رخداد از طریق رسانه های خبری دیدگاه های ضد و نقیض باز تاب یافته است.

بنابه اظهارات نمایندگان مردم مرغاب که در گزارش ۱۳ ثور رادیو بی بی سی، ساعت ۶ نیم صبح به نشر رسید مقام وزارت داخلهٔ کشور از بقایای طالبان که بر ضد حاکمیت دولتی بغاوت کرده بودند، رسماً حمایه کرده است.

در رأس این دسته های یاغی و شرارت پیشه ملا عبدالله وملا بهادر قرار دارند که با سؤ استفاده از عفو دولت، بار دگر خود را مسلح ساخته و مرکز ولسوالی را مورد حمله قرار دادند و امن وآسایش نسبی در زندگی مردم را برهم زدند.

حقایق در باره این مسأله را از زبان یک شاهد عینی به نام معلم نعمت الله می شنویم که در پاسخ به پرسش خبرنگار بی بی سی بر زبان می آورد:

"این ها چند نفری بودند که در طول بیست و چهار سال پیش، حتا قبل از دورهٔ طالبان کار شان دزدی بود و بعد که طالبان و القاعده پیدا شدند، این ها در بین آنان داخل شدند و هرآنچه از دستشان ساخته بود،کردند. این ها بقایای طالبان و القاعده هستند، بعد از شکست طالبان دولت عفو عمومی اعلام کرد. این ها در زمان جنگ عراق خود را مجهز ساخته علیه حکومت قیام کردند. ما مردم ولسوالی مرغاب آمدیم به ولایت و خواهش کردیم که بیایند و ما را از چنگال این ظالمان خلاص کنند. نیرو های ولایت آمدند وما را از چنگ ظلم ملا عبد الله و ملا بهادر خلاص کردند."

اما وزیر داخله خلاف این موضوع سخن می گوید:

علی احمد جلالی وزیر داخله:

"حدود یک ماه قبل میان نیروهای اسماعیل خان و نیروهایی که از جانب وزارت داخلهٔ افغانستان فرستاده شده بود جنگ سختی در گرفت. بی بی سی شام ۱۱ ثور. اظهارات فوق توسط وزیر امور داخله در کنفرانس مطبوعاتی در شهر کابل اعلام گردیده است، که به هیچ صورت قابل رد یا انکار بوده نمی تواند.

در عین حال ضمن همین برنامهٔ رادیو یی، سخن گوی اسماعیل خان والی هرات، تورن جنرال قاری غلام محمد، گفت:

"آن ها در برابر افراد شناخته شده و معلوم الحال و ابسته به طالبان و القاعده جنگیده اند. و این باعث حیرانی وتعجب بزرگ است که وزیر داخله افراد وابسته به طالبان را افراد وابسته به دولت می داند و آن ها را گماشتهٔ دولت می خواند".

در عین حال حاجی سخی از باشندگان بالامرغاب نیز مخالفان اسماعیل خان را افراد منسوب به طالبان می داند ومی افزاید:

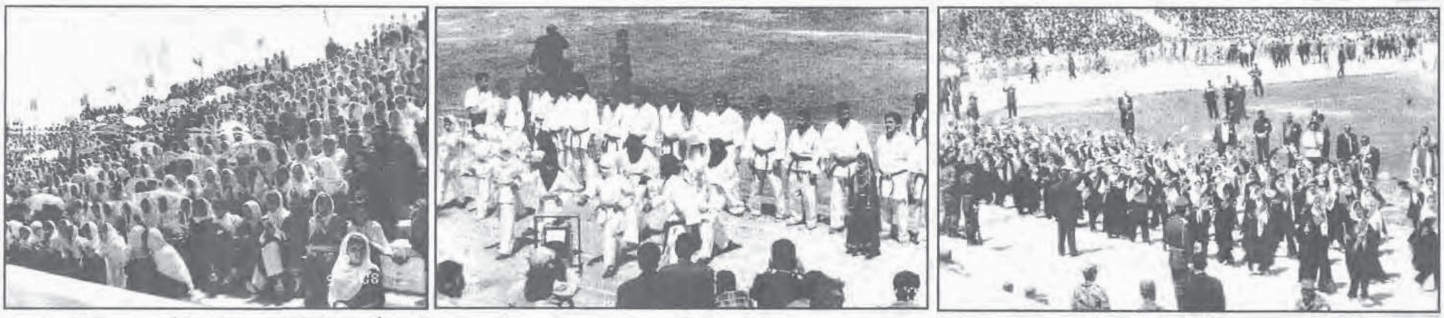
هم اکنون نیز تعداد زیادی از طالبان تحت قومانده ملا "تانگ" به فعالیت منظم بر ضد امنیت و آرامش در محل پرداخته اند.

با توجه به رخداد های نظامی در مرغاب و با توجه به اظهارات ضد و نقیضی که در این مورد بر سر زبان مسوولان است، این تصور ایجاد می شود که مبادا دست هایی پیدا و پنهان بار دگر سرگرم مطرح ساختن دوبارهٔ طالبان در برخی از مناطق بوده و مسوولین امور را به نحوی به بازی گرفته باشند!؟ ورنه چه دلیل دارد که وزارت داخله افرادی را به سمت های مهم نظامی توظیف نماید که هویت شناخته شده یی دارند و هرگز نمی توانند و نباید قابل اعتماد به حساب آیند.

در این زمینه مشورهٔ سالم و مسوولانهٔ ما به مقام محترم وزارت داخله این است که واقع بینی را از نظر دور نداشته و تحت تأثیر جو سازی ها قرار نگیرند وهنگام عزل ویا نصب، به مطالعهٔ عمیق موضوع بپردازند و به نظریات و مشوره های سودمند چهره های شناخته شده و مورد اعتماد ارج بگذارند و در جهت ایجاد تفاهم و سازندگی گام بردارند. تا هم لعل به دست آید و هم یار نرنجد.

مسلم است که طالبان والقاعده یک بار دگر به حرکت در آمده و فعالیت های منظم و حساب شده یی را به راه انداخته اند و از آنجایی که این فعالیتها به صورت حتمی و بدون شک و تردید از حمایت برون مرزی برخوردار است، لاجرم کار آیی تجربه شده یی نیز خواهد داشت، در صورتی که مسوولان رده های بالایی دولت ومسوولان امور نظامی کشور ما، پیشبینی لازم را نداشته و از قبل خود را آمادهٔ برخورد با آن نساخته باشند باور راسخ داریم که هم سیاست عفو نامحدود دولت در مقابل بقایای طالبان وهم سیاست بی پروایی دربارهٔ منسوبین طالبان والقاعده هردو در دراز مدت نتایجی زیانمند خواهد داشت.

باید مقامات مسوول دولت مرکزی هنگام استخدام افراد به هویت طالبانی و سابقهٔ بد افراد توجه کنند و نیز امکان واکنش های مردم در برابر تصامیم خود را پیش بینی نمایند.



دجهاد دیولسمی کالیزي دجشن د نمانځلو په پرتمینو مراسمو کې د پوهنې وزارت دزده کوونکو او کارمندانو دګډون انځورنه

دجهاد دبریالیتوب دیولسمی کلیزی جشن ...

او دا باوریې نه درلوده چې زموږ دجهاد غازیان او وسله وال ځواکونه به په دومره کمه موده کې دومره زیاته ورتیا ځرګنده کړي او یوځل بیا به زموږ هیوادوالو ته دراډیو اوتلویزیون له لارې دخپلو نیکونو دشهامت او زړورتیا نظم او دسپلین، وقار او برم خاطري را راژوندي کړي.

دادي دجهاد دبریالیتوب دیولسمي کالیزي دمراسمو دنمانځنې په ارتباط موږ له یو شمیر هیوادوالو سره مرکې کړي چې دهغوي نظریات دمجاهد جریدي له لارې ګرانو هیوادوالو ته ځرګندوو:

په پیل کې مې دکابل ښار له یو تولنیز شخصیت او قومي سپین ږیري محترم حاجي کتهوري خان څخه پدې مناسبت دعسکري پریټ او دمراسمو دنمانځنې په باب پوښتنه وکړه هغه وویل:

بلې! ما هیڅ تصور نه کاوه چې ددغو مراسمو په نمانځنه کې به زمونږ عسکري قطعات او جزوتامونه په دومره اعلي نظم او دسپلین ستره دپریټ مراسم اجرا کړي شي او له بلې خوا پدغو مراسمو کې چې کوم شي ډیر مهم و هغه زموږ دهیواد دټولو دولتي ارکانو راټولیدل او ددوي ترمنځ ښه تفاهم او په ګډه د ټولو هیوادنیو چارو پرمخ بیول دي، دغه مراسم زموږ دهیواد دټولو ورونو قومونو دملي یووالي یو ستر ثبوت دي او دایې بهرنیو او کورنیو دښمنانو ته ځرګنده کړه چې افغانانو اوس دخپل هیواد دملي هویت اوملي پرمختیا دپیاوړتیا په خاطر ټینګ هوډ کړي او نور یې خپل دښمنان او دوستان په ریښتیني توګه درک کړي او نه غواړي چې دهغوي د شومو هدفونو دتر سره کولو په خاطر خپل هیواد بیا له سترو خطرونو، بې ثباتي او ورانې سره مخامخ کړي.

همدارنګه په دي ارتباط مې دپوهنې وزارت له یو پخوانې کارمند ښاغلي منیرخان دنظر غوښتنه وکړه چې هغه دثور داتمې دیو لسمې کالیزي دجشن دنمانځنې دمراسمو په باب وویل:

ما چې کله دتلویزیون له لارې ددغو مراسمو ننداره کوله نو یوځل بیا مې هغه خاطري را ژوندي شوي چې موږ به له انګریزانو څخه دخپلې ملي ژغورنې او خپلواکي مراسم لمانځل او لکه ځرنګه چې په هغو مراسمو کې زموږ دخلکو دپراخو پرګنو له خوا خوښې او خوشحالي ځرګندیدله دغه راز پدغو مراسمو کې چې زموږ تکبیر شعاره ملت دنړي یو ستر زبر خواك په ګونډو کړ او خپله خپلواکې یې تري واخیسته زموږ خلکو څو چنده زیاته خوښي او خوشحال ځرګندوله. زموږ دغه ورور خپلو خبرو ته داسې دوام ورکړ، ما به چې دخپلو عسکري قطعاتو دپریټ په وخت کې ددوي نظم او ددوي دمدرنو جنګي وسایلو دتیریدو په وخت کې دراډیو اوتلویزیون د تکړه ویندویانو له خوا درزمي اشعارو زمزمې او انګازي واوریدي نو باور وکړه چې له ډیري خوښې نه به مي له سترګو څخه دخوشحالي اوښکي وبهیدي او له ډیر غرور ه به مي دسرو ښتان زیږه شول او دا ډاډ به راته پیدا شو چې انشاء الله موږ به په نږدي راتلونکې کې دخپلې مضبوطي دفاع او دخپل تاریخ او افغاني هویت دساتني له پاره دیو پیاوړي اردو څښتنان شوو.

همدارنګه ما په دي ترڅ کې دژبې او ادبیاتو د پوهنځي دیو زده کوونکي نظر هم وپوښتنه هغه پداسې حال کې چې دجهاد دبریالیتوب دیو لسمي کالیزي مراسم په زړه پوري وبلل زیاته یې کړه:

په تیرو یولسو کالو کې چې کوم شي زما دزیاتي خوښي سبب شو هغه په تلویزیون کې دشورویانو له سره پوځي څخه زموږ دهیواد د آزادي او ددیني مقدساتو ددفاع دیو لسمي کالیزي د جشن دمراسمو پرتمین نمانځل وه زه که له یوي خوا د خپلو هغو معیوبو ورونو په لیدو زیات خپه شوم چې د سره پوځ دنه ماتیدنکي خامار ملایي ماته کړه او په خپلې سربښندني او ځان تیریدنې سره یې ستر ویاړ ترلاسه کړ نو له بلې خوا دهغو مجاهدینو دپریټ په لیدلو سره مې دغرور او سرلوړي احساس وکړ چې په کلونو کلونو یې له روسي ښکیلا کګرو سره ډغري ووهلې او ټن یې خانته د آزادي او سر لوړي په ځنګ کې دغازیانو لقب ترلاسه کړ ویاړ دي وي په دغه راز سر ښندونکو او دهیواد په ربتینو او مجاهدو بچیانو.

ش- الماس

دو غزل ازلطیف ناظمی

دریغ

چـه روی داد خدایـا بـه بـاغ شـامگهان
کـه از بلـوط و سـپیدار شـاخ و ریشـه نمـاند
بـه آشـیانه چـه کـردند بادهـای جـنوب
کـه سـوخت پـنجره، خاکسـتری ز شیشـه نمـاند
بـه مـرگ کـاج چـو ابـر بهـار گـریه کـنم
کـه در سـکوت چمـن جـز صـدای تیشـه نمـاند
ز بـس تهـاجم پـیکان خـون چکـان دیـده سـت
چـه عمـر هاسـت کوزنـی بـه هـیچ بیشـه نمـاند
چـه سـالهای خـوش عاشـقانه بـود و دریـغ
کـه شـاد خـواری آن روزهـا همیشـه نمـاند
دریـغ و درد بـه قـاموس ایـن قبـیلهء جـنگ
ز صـلح و واژهء آن غـیر یـک کلیشـه نمـاند

سر دو راهی باغ

شـبی کـه بـاد بـر آمـد سـر دو راهـی باغ
چـرا نسـوخت دل کـس بـه بیگناهـی بـاغ
نریخـت قطـره اشـکی شـب شـهادت کاج
نکـرد گـریه کسـی بهـر بـی پناهـی بـاغ
چـه سـر کشـیده سـپیدار هـا که سر دادند
بـه لحظـه هـای شـبیخون شـامگاهی باغ
نـه افسـر گـل و نـه پاسـبان سـبز بهـار
بـه دسـت دیـو و دد افـتاده پادشـاهی باغ
زاشـک سـرخ شـقایق چـرا نشـد گلگـون
بـه روز فاجعـه رخسـاره هـای کاهـی بـاغ
بـه غـیر بـوی پـر سـوخته نمـی آرد
نسـیم یـخ زده از جلگـهء پگاهـی بـاغ
نـه مـیل لانـه نهـادن، نـه قـدرت پـرواز
غمیـن نشسـته کـبوتر سـر دو راهـی بـاغ

ادبیات ملی وپروسه جهانی شدن

عبدالعلی کوهی استاد فاکولته ادبیات پوهنتون کابل

مفهوم جهانی شدن ادبیات، همانا تماس وآمیزش ادبیات ملی با ادبیات جهانی است. زیرا ادبیات ملی به هدف نضج وپختگی خود، نیاز دارد، تا به ادبیات سایر اقوام وقبایل در آمیزد واز سفرهء رنگین آنها برغنامندی خود بیفزاید.

ادبیات ملی می کوشد جهانی شود، بناءً تلاش می نماید تا ازچوکات بندیهای محدود ملی وقومی خویش پافراتر بگذارد وبا روند جهانی ادبیات خود راهماهنگ سازد.

این کار یک جریان عمومی است، ادبیات همه ملت ها وبه ویژه ادبیاتی که کمتر برنردبان تکامل دست یازیده اند، بدان توسل می ورزند.

در نتیجه این دادوستد های ادبی. تغییر وپیامدهای مشهودی در طرز تفکر علمی وادبی ملت ها بروز می نماید. ادبیات در اساس وماهیت خود مرزهای مشخصی بشری را نمی شناسد. همواره ادبیات در تلاش است تا این مرزها را درهم نوردد وبه جهان برتر وبهتر به پرواز در آید، طوری که دیده می شود گویته دانشمند المانی تاثیر جهانی خود را در دنیای فکر واندیشهء ادبی گذاشته است. ادبیات قبل ازهمه به پاره یی ازمسایل جواب تهیه می دارد واین جوابها، همان نیازهای فکری، اجتماعی، ملی وقومی بوده وقضایای مربوط به آن را احتواء می کند. ادبیات ملی افزون برهمه مطالب ذکر شده نه تنها از خواسته ها، تمایلات ونیازمندیهای ملی وقومی نمایندگی می کند بلکه اهداف جهانی را نیز در بر دارد. آنگونه آثار ودست آوردهای ادبی رنگ جاویدانگی را به خود می گیرد که در آن قضایای مشترک انسانی در نظر گرفته شده باشد. راههای جهانی شدن ادبیات ملی این گونه به بر رسی گرفته می شود.

ادبیات ملی کمتر رشد یافته، بر پایهء نیازهای خود، می کوشد باادبیات سایر ملت ها تماس حاصل نماید، تا در پرتو این تماس ها موجبات تکاملی خود را فراهم نماید.

ادبیات ملی کمتر رشدیافته می کوشد تا از ادبیات تکامل یافته چیزهایی را اقتباس نماید که برپیشرفت وسیر تکاملی ادب ملی بیانجامد، در غیر آن سودی را به ادب ملی به بار نخواهد آورد.

این اقتباس از نویسندگان ومحققین می طلبد، تا اصالت زبان، ادبیات ملی، دست آوردهای ادبی، امکانیات فکری، اجتماعی، توانایی های هنری، ساختار وتعبیرهای زبانی وظرافت های هنری که حفظ ونگهداشت آن اجتناب ناپذیر است صدمه ندیده وآن را از حوزه ملی، قومی وعبقریت لغوی وهنری باز ندارد. نویسندگان ودانشمندان ما باید در این محدودیت ها به انتخاب و اقتباس از ادبیات سایر ملت ها دست یازند واصالت زبان ودست آوردهای ملی خود را حفظ نمایند. روح زبان وزیبایی های که در تعبیروساختار لفظی آن وجود دارند، باید همواره به حراست ونگهداری آن تلاش صورت گیرد، زیرا در صورت انجام این کار ادبیات ملی خود را در پهلوی سایر ادبیات، زنده احساس نموده وموجب پیشرفت آن می گردد.

باید استفاده ادبیات ملی از سایر ادبیات، برپایه اصالت ملی استوار باشد، ادبیات ملی ناگزیر است براساس یک سلسله ضوابط ملی به اخذ واقتباس ودر فرجام تقلید از ادبیات بیگانه اقدام نماید، زیرا تقلید کورکورانه، دشواریهایی را در ادب ملی به وجود می آورد، چه این گونه تقالید را می توان باتقلید اطفال از بزرگ سالان وآموزگاران در راه رفتن وسخن گفتن تشبیه نمود که چقدر نامأنوس وغیر متجانس به نظر می رسد.

این اصالت ملی همانا قدرت وتوانمندی ادب ملی در برابر ادبیات بیگانه است که باید ادبیات ملی به عامل پیشرفت در جنب این گونه تقلید ومحاکات منجر گردد.

باید گفت که قضیه تقلید ومحاکات ادب ملی از ادبیات بیگانه قبل از هر چیز وهمه کس متوجه اهل خبره،دانشمندان، فرهیخته گان وفرهنگیان می گردد که آنها آنچه را که از ادبیات بیگانه به ادبیات ملی اقتباس وبه عاریت می گیرند باید به آن نیاز شدید احساس گردد، اگر قرار این باشد که هرچه در ادبیات بیگانه وجود داشته است، آنرا تقلید نمود، در حقیقت استعداد وتوانمندیهای ادب ملی به عرصهء فراموشی گذاشته می شود ومانع رشد ادب ملی می گردد. اهل خبره در هر ملت وقوم در مرکز حوادث وماجرا قرار دارد وبرجریانهای فکری وهنری آگاهی دارند ونیازمندیهای ملی را در این مورد تشخیص می دهند. گاهی دیده شده که این گونه تقلید ومحاکات واقتباس دارای چنان ارزش بوده که می تواند مقام وارزش ادبیات ملی را به معراج وسکوی شهرت برساند.

در این جا می توان از عمر خیام متوفی اواخر ربع اول قرن هشتم میلادی نام برد. دراساس خیام در خارج ان مرز و زادگاهش توسط رباعیات خود سهرت یافته است. رباعیات خیام درحقیقت تعبیری ست ازقیود ونابرابریهای اجتماعی که خیام در آن می زیست. شعرا و نویسندگان در قرن نزدهم در اروپا جبر سیاسی و اجتماعی را که خیام در آن زندگی می نمود، در روشنی این رباعیات به تحلیل گرفتند، روانی جامعه که خیام در آن می زیست مملو از جدالهای فکری بین علم حقایق مادی وجدالهای میتافزیکی است که برپایهء اخلاق ودین استوار بود. در نیمه قرن نزدهم نقش پیروز مند خیام در اروپا چنان برجسته گردید که هرگز این شهرت رانزد هموطنانش نداشته است این پیروزی همان ترجمه واقتباس شعراء ونویسندگان اروپا از این رباعیات است که این ترجمه صرفاً از جمله ترجمه های حرفی نیست، بلکه روح و محتوی این رباعیات ترجمه شده است. اولین کسی که در این راه همت گذاشته است شاعر انگلیسی "فیتزجرالد" است. در حقیقت رباعیاتی را که این شاعر به رشتهء نظم در آورده است ازجمله متون معتبر انگلیسی محسوب می گردد. محور اصلی این ترجمه را افکاری تشکیل می دهد که از آن روح شرقی متبلور است. در متن این ترجمه از۷۹ رباعی آن رنگ فارسی ندارد، اما باوجود تصرف در ترجمهء رباعیات خیام افکار ونظریات آن در دنیای غرب نفوذ پیدانمود. خوانش این رباعیات در غرب چنان رواج پیدانمود که هرگز در وطن اصلی خود چنین رواجی نداشته است، ناقد، نویسنده وشاعر امریکایی ادلارالان پو(۱۸۱۹-۱۸٤۷م) گرچه از جمله معدود شعراء ونویسندگان دست اول امریکاست وتاثیر عظیمی بر ادبیات اروپا دارد. رباعیات خیام را در سال(۱۸۵۹م) ترجمهء آزاد نموده وبه نشر سپرد.

ادامه دارد

لنډه کیسه

میره

شیر احمد حیدر

څو ورځي کورته نه ورتو. ویل یې"په مازي خبره خو له را اچوي" ښه ده چې یوڅو ورځي یې مخ نه وینم. دکمال اومیري داسي سره لویدلي وه، چې دورځي خوبه یې یوه خبره سره اړوله. خوله دي سره سره دواړه نوك او وري وو، رغیدن یې نه و. کمال که به دورځي کور پریښود، نوشپه به یې بیا پرکوروه، چي دباندي به ووت. که به په یوه کارېسي تللي هم وچي بیرته به راغي نو دمیري به یې بله خبره تـه وه" بیاراغي تروره یې واته نشته، مزغي دي مات شه خویوه کارته ملاتیته کړه"

ده به ورته ویل، بس نه یې کوم. شي نه کوم چي ته وایي هغه نه کوم. ستا په ویلو خویي بیخي نه کوم، داخبري به یې وکړې بیرته به ووت. له ځانه سره به ږونګیدو، ته په دي کورکي شپه تیروه، ددي له لاسه مي له کوره زړه په هوادي، کور وریبریږدم زما بله چاره نشته.

کمال له موره یو زوي و، خومیري یې د زامنو اولونو لښکر وو. خکه یې نومیري هم پروانلرله او دپلاریي هم چنداني سونډنه ورغوریده، ترده به دمیري ورونو عیزت کیده، نوده ته ځان یوازي ښکاریدو. ویل به یې خومره منډي وهم، چوپړي مي هم ځاي نه نیسي، یوه ورځ یې له میري سره په مازي خبره داوه شوه. بس بي سواله بي خوابه له کوره ووت. ترسبا پوري یې هیڅ درك نه و، مازدیګر یې چي پلار کورته راغي پوښتنه یې وکړه"اغه بل بیا چیري ورك دي" دکور کارونه دغسي پراته دي، میرمني یې ورته وویل: په کومه ورځ تا پرکور لیدلي چي نن نشته، تاهم خپلي مخي ته پري ایښي اوس نوخداي که ستا د خبرو پروا لري" سرور لږساعت په چورت کي ولاړو، چي له وره ووت ویې ویل زه به دالیوني لاړي ته راولم.

ده له خپل کلیوال سره دوه ورځي وړاندي داخبره کړي وه چي یوي خواته به په مساړي پسي وځي. نودي اوس د داد خان په تمه ولاړو او کلي منځ ته یې کتل. تینګه یې نه کیده، بس یوي بلي خواته یې کتل خو د داد خان درك نه و. غوښتل یې دکلي منځ ته ورشي،

سبا ته چي کمال په کور ورننه ووت پخپله یي دوه جوړه کالي له صندوخه واخستل. میره له شاورته ودریده او وي ویل"ولي په صندوخ کي لویدلي یي" ده خپل کالي څنګ ته کیښودل څه یې ونه ویل. کالي یې له ځان سره واخستل ووت. میري یې وویل پرکومه ورکیږي. کمال وویل: چي په ورکه مي خوشحاله یي بیامي څه ته پوښتنه کوي، داده کالي مي تیاردي ته یوه ګوله ډوډۍ راته تیاره کړه، ده یودسمال له جیبه را وویست کالي یې پکي وتړل، غوټه یې یوي خواته کیښوده، پاڅیده چي له کوره ووت وي ویل ډوډۍ تیاره کړه زه راځم.

په لاره له ځان سره غږیده، څه چي هغه راځي زه به ډوډۍ وخورم د دروازي ترمخ لږساعت ودریدو. لاري ته یې کتل چي دادخان که اوس زر راشي.

څوګامه یې واخستل بیرته پرخپل ځاي ودریدو. زړه نازړه وچي څه وکړي، بیرته راوګرځیدو، له ځانه سره یې وویل: څه رابه شي، زه به ډوډۍ وخورم، همداسي خړیدلي سر دکور پرلور روان شو. کورته چي ننه ووت ناره یې کړه زما ډوډۍ: میره یې له کوټې را ووته وي ویل"ولي لوړي اخستي یې تراوسه خو لاشین ګهیځ دي، ده ورته وویل ډوډۍ را کړه زه روان یم. دغه یې وویل دباندي ووت. مخامخ پرزینو بام ته وخوت. لاري ته یې کتل، چي که د داد خان کوم لوري ورمالوم شي: خو دهغه کوم درك نه و. بیرته له بامه راښکته شو، کور ته ننه ووت د ډوډۍ ناره یې ونیوله. میري ته یې خوښکه وزغله وي ویل: خاوري وخوري صبروکړه. ده ترګړه وروکتل وي ویل که دي تیاره نه کړه بیا به در سره ګورم. دغه نن ډوډۍ مي ده بیابه په دي کورکي ګوله راوانخلم. بس ده نورمي مه غیږه یوه ګوله راکړه. زه څم د داد خان لاړه ګورم. ته ډوډۍ تیار کړه.

کمال بیا بام ته وخوت، پردیوال یې لاسونه کیښودل. لاره یې څارله. یوي بلي خواته یې وکتل له ځان سره وښګیدو. وي ویل دي ظالم خو توله ورځ دلته راباندي تیره کړه. داولي وخندیدو. ده دکلي منځ ته کتل. چي پلار یې کورته ننه ووت، دمیرمني یې چي سترګي پري ولګیدي چیغي یې پیل کړي."سړیه په کورځان نه خبروي" دکمال له لاسه خومي پرزړه توکلي ویني را واوښتي. دا اوس یې نیږدي وژلي وم. خوکوټي ته ننه وتم. دکمال پلار سرور هیش ودریدو، میرمني ته یې وکتل. په هغي اوښکي راماتي وي، ده غاړه وګروله. وي ویل څه شو! دا به زه نن په خبره پوه کړم. مخامخ کوټي ته ننه ووت. په کوټج کي توپك ځړیدو. یوکارتوس یې ورواخیست. په بیړه بیرته ووت. کارتوس یې توپك ته ورواچاوه. ساه یې لنډه لنډه کیده. وي ویل نن ددغه ویني تویوم. دباندي پرچوتره ودریدو. کمال لاهماغسي په چورت کي دلاري خواته کتل، دي لږ ور وړاندي شو. دتوپك شپیلي یې ورته برابره کړه. بیرته یې توپك له اوږي ښکته کړ. کلیمه یې وویله: سترګي یې پټي کړي اوږده سایي واخیسته. بیایې دتوپك شپیلي کمال ته برابره کړه. په پوریدلي غږیې وویل. ددا ... ننه ... سړي کیږي چي له دي سره ډز شو اوکمال له بامه ولویدو.

باید آزادی بیان را شناخت واز آن حمایت کرد

فرامرز

حق آزادی بیان یکی از اساسی ترین حقوق انسانی در جوامع مدنی به حساب می آید.

انسان ها در جوامع دارای ضمانت های حقوقی و به صورت مشخص در جوامعی که قانون در آن حاکم باشد، حقوق و امتیازات معین و در عین حال مکلفیت های معین ومطابق قانون را دارا می باشند. خلاف رفتار ی در برابر هر یکی از این حق ها ومکلفیت ها، جرم پنداشته شده و به موجب قانون قابل پیگیری و باز پرس می باشد و نیز مطابق احکام قانون در تمام موارد تثبیت شده، جزای معین پیشبینی شده است.

به گونهٔ مثال حق آزادی بیان، حق آزادی کار و سکونت، حق تجارت، حق تحصیل، حق اشتغال، حق تشکیل حزب، حق شرکت در انتخابات، حق کاندیدا شدن یا کاندیدا کردن، حق مسافرت، حق نوشتن، حق چاپ و تکثیر اندیشه ها، حق تظاهرات، حق مخالفت یا موافقت و غیره همه مطابق احکام واضح و صریح قانون پیشبینی و ضمانت شده و تخطی از هر کدام، جرم پنداشته می شود.

ولی در پهلوی این ها شهروندان هر کشوری مکلفیت ها و مسوولیت های شان در برابر قانون و جامعه نیز معلوم و مشخص می باشد.

در فصل ها و بندهای جداگانهٔ هرقانون تدوین شده یی که برای سعادت و ترقی و تعالی مادی و معنوی ملت ها ساخته شده باشد، چگونگی مکلفیت ها و مسوولیت های افراد یک جامعه نیز به صورت واضح و شفاف بیان و قید گردیده است.

به این ترتیب ملاحظه می کنیم که قوانین نه تنها حدود آزادی های مردم را تعیین ومشخص می کند، بل محدوده یی را نیز در پیش روی شهروندان قرار می دهد، محدوده یی که ما نمی توانیم از آن عدول بورزیم. این بدان معنا می تواند باشد که ما در پهلوی این که در برخی موارد آزادیم، در عین حال در برخی از موارد محدودیت داریم و نمی توانیم و نباید پارا از محدوده ها فراتر بگذاریم.

ما می توانیم از حقایق سخن بگوییم یا در بارهٔ حقایق و واقعیت ها، مقاله و مضمون بنویسیم: اما نمی توانیم، به نام آزادی بیان و آزادی نگارش به امنیت ملی کشور صدمه وارد کنیم و نمی توانیم به حیثیت و آبروی مردم لطمه وارد کنیم و نمی توانیم خلاف موازین اخلاق و عفت کلام سخن بگوییم و نمی توانیم و نباید به مقدسات شوون برگزیده و مقدس دینی و مذهبی جوامع، بتازیم و هرآنچه دل تنگ ما خواست، بر زبان بیاوریم.

ما حق داریم سفر کنیم اما نه به هر جایی که دل ما می خواهد؛ حدود آزادی قدم های ما را قانون مقرر می کند. ما حق نداریم بدون اجازه وارد منازل و حریم خانوادگی افراد شویم.

پس با توجه به موارد فوق متوجه می شویم که قانون نیز آزادی مطلق را به هیچ فردی نداده و نمی تواند بدهد. به همین دلیل منتسکیو می گوید:

آزادی فرد به جایی پایان می یابد که آزادی دیگری آغاز شود.

لابد توجه داریم که حق اشتغال را قانون تعیین و مشخص می کند، اما قانون نمی تواند، کسی را که دارای درجهٔ لازم تحصیل در مسلک مورد نظر نباشد به کاری توظیف کند که شرایط آن کار، قبلاً مطابق قانون مشخص شده باشد.

کسی می تواند به کاری معین واشتغال معین بپردازد که در آن زمینه ورود و تخصص داشته باشد و در زمینهٔ کاری که می کند مجرب و آزموده باشد.

از این مثال این نتیجه به دست می آید: همانگونه که کار طبابت مطابق احکام قانون خاص تحصیل یافته گان و فارغان دانشکدهٔ طبابت است، از حق آزادی بیان و حق نگارش آزاد نیز فقط آن عده که تخصص و تجربهٔ لازم دارند و سند و مدرک تحصیلی و تجربی دارند، به نحوی شایسته تری می توانند استفاده کنند. اگر این گونه نباشد، می توان گفت نتایج سودمندی در این فعالیت ما به دست نخواهد آمد.

موضوع اصلی بحث ما همین است. آزادی بیان هم محدوده یی دارد و هم شرایطی.

کسانی که پابندی به این محدوده را در نظر ندارند و شرایط لازم آن را حایز نیستند مطابق احکام قانون باید نتوانند از حق آزادی بیان وحق چاپ و نگارش بهره ببرند. در غیر این صورت ما شاهد انارشی وترویج فضای زیانبار مطبوعاتی خواهیم بود.

ضرورت آن وجود دارد که مراجع مربوط در این زمینه روی رعایت اصل مکلفیت و مسوولیت کاری در عرصهٔ آزادی بیان جدیت بیشتر به خرج دهند و پایندی به اخلاق و تربیهٔ لازم را با جدیت هرچه بیشتر برای کسانی توصیه کنند که هنوز به ما هیت اساسی مقولهٔ آزادی بیان پی نبرده اند و از این حق مشروع و قانونی خویش به گونهٔ مناسبی نمی توانند استفاده کنند، چنانچه ملاحظه می شود مواردی وجود دارد که آزادی بیان سیر هیجانی می گیرد و حق بیان از محدوده ها فراتر می رود و مراجع مربوط نیز متاسفانه هنوز آنچنان که باید مسأله را چندان جدی نمی گیرند.

این اعتراض بیشتر به مراجعی وارد است که هنگام استخدام افراد، پابندی ها و مکلفیت های اساسی نزد مراجعین را جدی نگرفته، تریبون ژورنالیزم را بدون هیچگونه دور اندیشی به حال ملت و جامعه به اختیار افراد ناوارد و هیجان زده قرار می دهند و نتیجه چنان است که جای مصاحبه تصور محاکمه عرض وجود می کند و در برخی موارد، رعایت ادب و اخلاق ژورنالیستی به یاد فراموشی سپرده می شود.

پیشنهاد سازنده این است که مراجع صدور جواز واجازه در این موارد با قاطعیت برخورد نموده بر روال جاری کار خویش تجدید نظر کنند و در عین حال مطبوعات رسالت مندما به ترویج اموزش لازم در زمینه سعی بیشتر به خرج دهند.

دهیواد د خپلواکۍ او دخلکو دلارښوونې په لار کې ددیني عالمانو رسالت

پسرلی

موږ ویاړو چې مسلمانان او دهغه سپیڅلي دین پیروان یوو چې له اسلام نه مخکې یې دجهالت او تور تم د پیړیو پیړیو ظلماني دوري پای ته ورسولې، شرك او بت پرستي یې له مینځه یووړل او خپل ټول پیروان یې د واحد او لایزال خدای اطاعت او سرټیټي ته راوبلل ویاړ دي وي د اسلام په سپیڅلي او مقدس دین چې خپلو پیروانو ته یې دطهارت، پاکي او د روح د تزکیې دادمن نورمونه او ضوابط، ارشادات او پیغامونه صادر کړل او مسلمان ته یې پر دغې فاني او تیریدونکي نړۍ سربیره دتلپاتې او دایمي سعادتمند او نیکمرغه جنتي ژوند زیري ورکړ نو شاباسي دي وي په هغو کسانو چې دداسي یو مقدس اسماني او هاتفي دین مربیون او عالمان وي.

موږ ته څرګنده ده چې زموږ په اسلامي ټولنه کې لومړني ښوونه او روزنه د دین دعالمانو په غاړه ده، دا چې نن موږ کلیمه طیبه وایو، لمونځ کوو، روژه نیسو ذکات ورکوو او حج ته ځو نو دغه ټول پنځه واړه اسلامي بناوي موږ له خپلو دیني عالمانو څخه زده کړي او په هغه لاره روان یوو چې موږ ته د اسلامي عالمانو له خوا را په ګوته کیږي زموږ کورنۍ، قومي او قبیلوي شخړې، لانجې او حقوقي دعواګانې دا ټولې دعالمانو په لارښوونه دحل وفصل لاره پیداکوي که دا عالمان په جوماتو کې ناست وي اویا په محاکمو او عدالت خانو کې، موږ ته یې شریعتي لارې اصول او ضوابط د ملو وړ دي خکه زموږ دمغزو په سلول سلول او زموږ دویني په هر څاڅکي او زموږ په اندروني او روحي جوړښتونو کې اسلامي ارشاداتو او شرعي احکامو دحکمراني او کنترول سنګرونه ټینګ کړي او هیڅ وخت دغه راز ارشادات او احکام یو مسلمان ته د بې لارې توب اجازه نه ورکوي او یواځې دیني عالمان دي چې دمسلمان دغه راز روزنه یې په غاړه اخیستې ده.

زموږ په هیواد کې چې کله هم زموږ په ولس او خلکو باندې څه خدایي او یا انساني مصیبت نازل شوي نو په انفرادي او یا ډله ییزه توګه مو دیني عالمانو ته مخه کړې او له هغوی ته مو دستونزې په باب مرسته او کمك غوښتې اویا داچې کله زموږ په ویاړلي هیواد باندې کومه غدي را پریوتې او زموږ د خاورې بشپړتیا، ملي واکمني، سوله، ثبات او ورسره ځنګ په ځنګ زموږ پاکي او مقدس لارې یعنې مذهب ته څه ستونزه پیدا شوې نو په دې وخت کې هم دلومړي ځل له پاره د دین عالم محراب او منبرته ختلي او خلك یې دنوموړي تاتار او خطر په وړاندې ویښ کړي، رهبري کړې او را پاڅولي دي چې ډیر ښه مثال یې زموږ په هیواد باندې د نړۍ د ډیر ستر ځواك شوروي سوسیالستي اتحاد دیرغل شنډول او دفع کول وو.

یعني زموږ دهیواد همدغه دیني عالمان وو چې دهیواد بیلا بیلي پرګنې او قومونه یې دجهاد او سربښندنې ډګرته راکش کړل او هغوی یې داسلامي او شرعي ارشاداتو په رڼاکې په داسې یونه ماتیدونکي ځواك باندې بدل کړل چې په تش لاس او داسلام په پریکړونکي او کارنده وسله او په لوی خدای (ج) د ایمان په رڼا کې یې دشورویانو د پطر کبیر خوبونه په اوبو لاهو کړل او شرمناکه ماتې یې ور په برخه کړه.

هوکې! دا ستر ارمغان، دا بې ساري سوبه او نصرت او دګران هیواد دژغورنې ستره حماسه یواځې او یواځې دهمدغو دیني عالمانو د نه ستړي کیدونکو لارښوونو او ټینګ عزم نتیجه وه چې نن دهیواد په پلازمینه باندې دشورویانو دګوډاګیانو پر ځای مجاهد، افغان او ددې هیواد ربښتیني او سرښندونکي بچیان واکمني کوي.

دهیواد دعالمانو دهمدغه ستر دیني رسالت او اصالت وجهه ده چې یوه اووني مخکې دعالمانو دشورا لومړۍ غونډه دراډیو تلویزیون په تالار کې جوړه شوه چې البته موخه او هدف یې د دولتي چارواکو سره هر اړخیزه همکاري او خپلو خلکو ته خدمت کول دي

موږ دهیواد دعالمانو دغه راز غونډې او راټولیدل ډیر ارزښمند بولو او هیله من یوو چې داساسي قانون په جوړولو دراتلونکي زعامت په ټاکلو، دملي حاکمیت په ټینګښت کې ددغه راز عالمانو نظریاتو او وړاندیزونو ته دقدر په سترګه وکتل شي او دوی هم دخپل اسلامي رسالت له مخې دجوماتونو له منبرونو څخه خلکو ته دقرآني ارشاداتو او نبوي شریعت په رڼاکې وعظ او لار ښوونه وکړي او په پای کې دیو اسلامي پیاوړې ټولنې دجوړیدو لاره اسانه کړي.

همدارنګه موږ په تیر وخت کې دطالبانو د متحجري او تجریدي واکمنې په وخت کې دهیواد دديني عالمانو په وخت او پر ځای عکس العملونه هم دستاینې وړ بولو چې دطالبانو غیر اسلامي او بشري ضد تروریستي اعمال یې وخت په وخت محکوم کړي او په ځانګړې توګه موږ د طالبانو د ورانکارو او تروریستي اعمالو په وړاندې د انتقالي دولت دقاضي القضات او دستري محکمې د رئیس محترم مولوي فضل هادي شینواري مقاومت، زړه ورتوب او دهیواد او خلکو په ګټه دطالبانو د تحریك پر ضد پاڅون او عکس العمل دزیاتې ستاینې وړ بولو او ترې مننه کوو چې دهیواد دجیدو عالمانو د اوسني غونډې نوښت یې په لاس کې اخیستی دی.

همدا رنګه موږ له خپلو دغو دیني عالمانو څخه هیله من یو چې دهیواد دلوړتیا او سوکالۍ، سولې او ثبات او سراسري نیکمرغۍ په خاطر له خپلو دیني زیرمو، علمیت، فضیلت او په ټولنه کې په خلکو باندې له خپل نفوذ څخه کارواخلي او ټولو ته دهیواد دبیا رغاونې په بهیر کې دګډې اخستنې بلنه ورکړي او هم په ټولنه کې دملي یووالي، ګډ تفاهم، ملي نوامیسو او تاریخي ویاړنو د تحقق له پاره خپله دیني او ایماني فریضه پر ځای کړي او دهیواد دپیژندل شویو کورنیو او بهرنیو دښمنانو په نوطیو او دسیسو باندې ونه غولیږي او همدا رنګه دطالبانو تحریك چې زموږ په هیواد کې د بې شمیره بې ګناه خلکو د وژنې او دهیواد د ویجاړي ستر مسوولیت ورتر غاړه دي دتل له پاره وغندي او دهغوی مزدوري څیرې لا پسې رسوا او افشاء کړي.

بعضی از معیار ها یا قواعد فنی مورد ضرورت قرار ذیل می باشد:

- معیارها وقواعد فنی برای تعمیرات.

- معیارها وقوعد فنی برای مواد ساختمانی.

- معیارها وقواعد فنی برای راه ها، جاده

گرانیبها ودیگر مواد ساختمانی محلی کمتر مورد مطالعه قرار گرفته است.

فلهذا احساس می شود که با این همه فعالیت های بازسازی وتوسعه شهر به این موضوع توجه لازم

باشندگان وزایران مورد جلب وجذب توجه قرار خواهد گرفت بلکه ازنقطه نظر صحت اهالی شهر ومسایل حفاظت محیط زیست از ضروریات اولیه می باشد مخصوصاً اگر در باغ ها وپارک ها به میدان های

آوری می باشد که باید جایگاه خاصی در پلان شهری داشته باشد ، خوب خواهد شد اگر در کوه های اطراف کابل درکنار آثار باستانی مراکز جلب توریست ها اعمار گردد.

نکاتی در بارهٔ برنامهٔ بازسازی وتوسعهٔ شهر کابل

دکتر فریار کهزاد -کانادا

قسمت پنجم

ها، خیابان ها ومیدان های شهری.

- معیارها وقواعد فنی برای امور مهندسی ومعماری.

- معیارها وقواعد فنی برای ساختمان های آبی شهری وکارهای رودخانه کابل.

- معیار ها وقواعد فنی برای پروژه ها وفعالیت های آبرسانی.

معیار ها و قواعد فنی برای کارهای فاضلاب وتصفیه خانه ها.

- معیارها وقواعد فنی برای حفاظت محیط زیست د رمقابل آلودگی آب، خاک وهوا.

- معیارها وقواعد فنی برای استفاده از آب های زیرزمینی وتاثیر کارهای دیگر برآب های زیرزمینی وبرعکس.

معیارها وقواعد فنی وحقوقی برای قرار داد های امور کارهای انجنیری کشور (Civil Engineering)

- معیار ها وقواعد فنی برای امور نیرو ، حرارت واستفاده ازنیروی آفتاب.

- معیارها وقواعد فنی برای ده ها امور فنی دیگر.

۱۹- مواد ساختمانی :

هر قدر از مواد ساختمانی محلی در پیشبرد پروژه های شهری کار گرفته شود به همان اندازه از نقطه نظر اقتصادی مناسب واز نقطه نظر محیط وماحول با آن هماهنگ می باشد. یکی از مواد مهم ساختمانی سنگ است که خوشبختانه در شهر کابل به اندازه وافر یافت می شود . البته چیزی که کمتر صورت گرفته است این است که خواص فزیکی وتخنیکی این ماده صورت گرفته ومواد ساختمانی محلی هرچه زودتر مورد مطالعه قرار گیرد تا خواص ومشخصات آنها تعیین شده ودر نشرات فنی نشر شود وبه دسترس انجنیران قرار داده شود تا درکارهای فنی خوداز آنها استفاده نمایند.

البته مواد محلی ساختمانی را می توان به انواع واقسام مختلف مورد استفاده قرار داد که باز هم رول انجنیران در مطالعه آنها از ضروریات مهم می باشد. برای آنکه در این مورد موفقیت بیشتر حاصل گردد باید به طرح هایی که بیشتر به مواد محلی اتکا نموده است، ارجحیت داده شود.

۲۰- پارک هاوباغ ها:

قسمی که در مقدمه این سطور ذکر به عمل آمد کابل را بارها در گذشته به نام گل زمین یاد نموده اند ومنظور آن محیط مناسب این سرزمین برای تربیه انواع گل ها ومیوه ها بوده است. این شهر باستانی روزی تفرجگاه های زیادی داشته که ذکر نام هر کدام آن کار را به درازا می کشاند . به صورت مختصر باغهای چهلستون،دارالامان، گلباغ، باغ بابر، باغ جهان آرا، باغ شهر آرا، باغ بالا وغیره از جمله باغهای معروف این شهر بوده است. مد نظر گرفتن باغها وتفرجگاه ها درقسمت های مختلف شهر باید از اولویت های مهم پلان جدید شهر کابل باشد، این مسأله نه تنها در نمای شهر اثر مطلوب خواهد گذاشت وشهر برای ورزشی وحوض های آب بازی ودیگر نوع ورزش ها توجه لازم صورت گیرد. باغ ها وورزشگاه ها نه تنها برای تفریح وسر گرمی وصحت کار خوبی است بلکه شهرداری کابل می تواند از آنها با دایرنمودن مسابقات ورزشی وکارهای هنری استفاده نموده وعاید شهرداری را بلند ببرد. بدون مد نظر گرفتن باغ ها وپارک ها در پلان عمومی شهر کابل در نقاط مختلف شهر این پلان به هیچ صورت مکمل نخواهد بود.

۲۱- آثار باستانی وتاریخی:

قسمی که در بالا ذکر شد کابل یک شهر تاریخی یا یکی از شهرهای باستانی شرق می باشد که سابقه چند هزار ساله دارد . با این عظمت آثار وابدات زیاد تاریخی در این شهر ومضافات آن وجود دارد که باید حتی المقدور در پلان جدید شهری جای آنها مد نظر گرفته شده ودر حفظ ومرمتکاری آنها توجه لازم صورت گیرد. در صورتی که این آبدات به صورت درست احیا گردد زمینه جلب توجه توریست ها به این شهر بیشتر شده وباعث پیشرفت اقتصادی شهر خواهد شد . دراین رابطه باید از دیوارهای مارپیچ بالای کوه های شیر دروازه وآسه ماهی یاد نمود که قسمت زیادآن در طی سال های بی توجه یی ازبین رفته است . البته توجه به باستانگاه (موزیم) کابل نیز قابل یاد

۲۲- شهرک های اطراف شهر کابل:

باوجودی که موضوع بحث پلان گذاری شهر کابل است ولی بی مورد نخواهد بود اگر شهرک های اطراف شهر کابل نیز مورد توجه قرار گیرد، زیرا آنها به حدی به شهر نزدیک اند که وقتی سیستم ترانسپورتی وراه ها اصلاح شد تقریباً جز شهر کابل خواهند شد . اینها عبارت از پغمان، ارغنده، گلباغ، برکی برک، کاریز میر، استالف، گلدره وغیره می باشد . اگر پلان های مناسب برای این شهرک ها مد نظر گرفته شود برای پیشرفت شهر کابل خالی از مفاد نخواهد بود.

۲۳- امور برق وانرژی برقی برای شهر کابل :

انرژی برقی شهر کابل در گذشته وحال از نیروگاه های برق آبی ماهیپر، نغلو وسروبی تامین می گردد. مقدار ضرورت نیروی برق درآینده مربوط به مسایل دیگر پلان شهری می باشد که تا زمانی که در آن موارد تصمیمگیری هایی صورت نگیرد، نمی توان مقدار انرژی مورد ضرورت این شهر را محاسبه نمود. البته این کار مانند بسا موضوعات دیگر به مطالعه ضرورت دارد . انتقال انرژی از نیروگاه ها نیز مربوط به موضوعات دیگر واز جمله تعیین نواحی ومناطق صنایع کوچک شهر نیز می شود.

ادامه دارد

نوشتهٔ دکتر عبدالحلیم غویس ترجمهٔ فضل الرحمن فاضل

نقش تعصب قومی در سقوط دولت اسلامی اندلس (هسپانیه)

قسمت هشتم

این پیروزی غم انگیز سرآغاز کشمکش های عرب ها در میان خود شان بود واتحاد موقت شان علیه دشمن مشترک شان یعنی بربرها زیاد طول نکشید.

رویداد ها با سرعت تطور کرد وبه تصادم میان آنان وهم پیمانان شان انجامید. زیرا عبدالملک ابن قطن بعد از نابود کردن بربرها در اندلس به وسیلهٔ عرب های همراهش ویاران بلج به موصوف ویاران شامی اش گفت که اندلس را ترک گویند. بلج در جواب گفت: ما را در رساندن تا ساحل "بیره" یا "تدمیر" همکاری کن . عبدالملک گفت: کشتی در اختیار تداریم .

بلج گفت: تو می خواهی ما را به بربرها تسلیم نمایی تا آن ها ما را در کشور شان یعنی مراکش به قتل رسانند.

عبدالملک وقتی که برای خارج شدن شان از اندلس اصرار کرد ، آن ها قیام کرده او را از قصر فرمانروایی اش در قرطبه بیرون وبه خانه اش در شهر انتقال دادند وبلج به حیث فرماندهٔ پیروز، در شامگاه روزچهار شنبه اول ذوالقعده ۱۲۳ هجری قمری داخل قصر قرطبه گردید وبه این ترتیب انقلاب داخلی در فرمانروایی اندلس به وقوع پیوست وامیری که از طرف خلیفهٔ مسلمانان از دمشق به امارت اندلس برگزیده شده بود ، متولی امور گردید وامکان داشت که اوضاع آرامش واستقرار یابد وبلج بتواند مراکش را بار دیگر از آن خود کند، زیرا والی قبلی از طرف خلیفه بر آن فرمان می راند واز طرف دیگر، شان وشوکت قبلی بربرها بعد از این که یا نابود شدند ویا در حال نابودی قرار داشتند، دیگر باقی نمانده بود وهمچنان به خاطر اتحاد اقتضایی وجبری میان حجازی های شهری شکست خورده در اندلس، وشامی های مجبور پیروز به رهبری بلج بن بشر که به قصروفرمانروایی رسیده بود، زمینهٔ خوبی برای آرامش اوضاع فراهم شده بود.

اما دو مسأله مانع این کار گردید:

حکومت دمشق در اندلس به قدر کافی نفوذ نداشت وسیاست های اش در میان عرب های حجازی وشامی وبربرها براساس حکمت وعدالت استوار نبود. کارها در مراکش واندلس در اکثر حالات زیر قاعده غلبه محلی برای افراد سرکش که بر نژاد پرستی های محلی یا هم پیمانی های اقتضایی واضطراری رو می آوردند، استوار بود.

حجازی هایی که شهری بودند وسابقهٔ حضور در اندلس داشتند وبا اندلس شناخت وارتباط قومی نیز داشتند به این نتیجه راضی نبودند .شامی ها هم آن هوشیاری را نداشتند تا قضایا را درک می کردند ودر تلاش راه های حلی می شدند که رضایت همه را جلب می کرد وبه استقرار آرامش در اندلس می انجامید وبه چلنج های خارجی وداخلی متوجه می گردید.

کار بدان جا رسید که لشکریان بلج بن بشر در برابر او به پاشده، از او خواهان تسلیم دادن عبدالملک بن قطن حاکم قبلی اندلس به ایشان گردیدند تا در برابر معاملهٔ قبلی اش او را به قتل برسانند. ابن قطن که پیرمرد کهنسال شده بود وعمرش به نود سال بالغ می گردید ودر "یوم الحره" در مدینه منوره نیز حضور داشت واز آنجا به افریقا فرار نموده بود، آن روز در خانه اش در قرطبه بود. لشکریان او را از خانه اش بیرون کردند .

او از پیری مثل نوزاد شتر مرغ به نظر می آمد . سپاهیان او را صدا می کردند که: در یوم الحره از شمشیرهای ما گریختی وبار دیگر می خواستی ما را به کشتن دهی!... سپس او را به دار آویخته به قتل رسانیدند ودر سمت راستش یک خنزیر ودر سمت چپش یک سگ را نیز آویزان نمودند!!

ادامه دارد

گریز از بحران!

در تبیین علل اقتصادی جنگ سوم خلیج

وحید مژده

«ریچارد فریمن» اقتصاد دان امریکایی در تحلیلی از وضع اقتصادی امریکا به این باور است که عملکردهای دولت امریکا در سطح جهانی ناشی از بحران اقتصادی در این کشور می باشد . فریمن با مروری بر آمار واخبار اقتصادی امریکا در سالهای ۲۰۰۰ و۲۰۰۱ می گوید که قبل از واقعهٔ ۱۱ سپتامبر هشدار های پی در پی در مورد یک بحران اقتصادی قریب الوقوع وجود داشته است، در سال اخیر دولت بیل کلنتون وسال اول دولت جورج بش اقتصاد دانان به این نظر بودند که یک بحران بی سابقهٔ اقتصادی در ابعاد بیشتر از آنچه که در دهه بیستم قرن گذشته اتفاق افتاد، در انتظار امریکاست.

واقعهٔ یازدهم سپتامبر وضع جدیدی را موجب گردید که ترس از خطر بحران اقتصادی جای خود را به ترس از تروریسم داد ودولت امریکا با بهره گیری از تاثیرات روانی واقعهٔ یازدهم سپتامبر موفق شد تا ذهنیت ها را از بحران به جانب جنگ منحرف سازد. حملهٔ امریکا به افغانستان وسرنگونی رژیم طالبان موجب کاهش احساس ترس از تروریسم در داخل امریکا شد واحساسات میهنی وغرور ملی را درمیان مردم امریکا تقویت کرد.

امریکابا تهدید کشورهای عربی موفق شد تا از آنان کمک های مالی نیز دریافت نماید واز آن در جهت کاهش کسر بودجهٔ خود استفاده کند، ولی این کمک ها در برابر کسری عظیم بودجه که این کشور به آن مواجه بود، کافی نبود.

بنا براین وضعی که امروز جهان به آن مواجه است ناشی از یک بحران اقتصادی است که تبعات آن به شکل حمله بر عراق ظاهر می شودوباید آنرا با دید عمیق تر از یک بحران کوتاه مدت در روابط بین المللی ویا بهانه های چون وجود سلاحهای کشتار جمعی در عراق به بررسی گرفت. اینها فقط بهانه های بود تا امریکا بتواند حضور خود را در منطقه یی که از نظر اقتصادی برای همه جهان ارزش حیاتی دارد، توجیه نماید.

امریکا بعد از جنگ جهانی دوم با پیاده نمودن طرح مارشال به کمک اروپا آمد، ولی هدف اصلی امریکا این بود تا از طریق این طرح حرکت ورشد اقتصادی جهان را کنترل نموده وبه عنوان یک قدرت برتراقتصادی دنیا شناخته شود. اما در قرن جدید این استراتژی امریکا در معرض تهدید جدی قرار گرفت. استحکام اتحادیه اروپا وقبول پول واحد برای این اتحادیه نخستین تهدید در این زمینه بود.نقش سازمان کشورهای صادر کنندهٔ نفت (اوپک) در تنظیم قیمت نفت در بازار جهانی، قدرت اقتصادی روبه افزایش (آسه آن) در شرق آسیا وگسترش دامنه نفوذ اقتصادی جاپان وسپس چین در بازار های جهانی چالش بزرگ در برابر اهداف امریکا برای دست یابی به مقام یگانه قدرت برتر اقتصادی در جهان بود.

هر چند با فروپاشی اتحاد شوروی، امریکا خود را در مقام تنها ابر قدرت جهان یافت ولی حرکت های حاکی از اعتراض به یک قطبی بودن جهان که از طرف اروپا عنوان شد، مورد قبول امریکا نبود.هدف امریکا در جهان حفظ برتری مطلق اقتصادی است واین هدف در صورتی می تواند برآورده شود که فاصله میان قدرت اقتصادی امریکا وسایر قدرت های اقتصادی در جهان به نفع امریکا حفظ شود. حفظ این حالت ایجاب می نماید که امریکا اقتصاد جهانی را تحت کنترل خود داشته باشد. هر قدر که فاصلهٔ اقتصادی میان امریکا وسایر قدرت های اقتصادی کمتر شود این به معنی شکست امریکا در سطح جهانی خواهد بود.

اما مشکل قصر سفید این است که برنامهٔ اقتصادی برای فایق آمدن بر بحران ومشکلات اقتصادی ندارد. استعفای (لورسن لیدنسی) وزیر دارایی امریکا را تحلیل گران امور اقتصادی ناشی از این دانستند که سیاست اقتصادی رئیس جمهور بش به مشکلات جدی مواجه است. نرخ بیکاری در امریکا در حال افزایش است وکاهش بودجهٔ فدرال وایالت های امریکا همچنان ادامه دارد. در سال مالی ۲۰۰۳ کسر بودجهٔ امریکا از سال ۲۰۰۲ بیشتر است که رقمی معادل ۵۰۰ ملیارد دلار می رسد. میزان بیکاری از ۵،۷ فیصد به ۶ فیصد افزایش یافته است که البته این آمار به صورت رسمی اعلام گردیده است، در حالی که میزان نرخ واقعی بیکاری در این کشور ۱۲در صد است. به این ترتیب حدود ۱۵ ملیون نفر در امریکا بیکار اند. میزان بیکاری نه تنها عواید دولت در بخش مالیات را کاهش می بخشد بلکه مصارف دولت در پرداخت معاش بیکاری به بیکاران را افزایش می دهد واین خودنشان از بحران عمیق در اقتصاد امریکا دارد.

امریکا درقرن گذشته از داعیان تجارت آزاد در سطح جهانی بود، اما آن مبین این نظر است که از طریق رقابت سالم می توان به اقتصاد سالم درسطح جهانی دست یافت واین کشور خود از بنیان گذاران سازمان تجارت جهانی (W.T.O) است، ولی با توجه به بحران موجود وتضاد آن با اهداف امریکا این کشور نباید دیگر جانبدار رقابت سالم وآزاد اقتصادی در سطح بین المللی باشد.

بنا براین امریکا خود را مجبور می بیند تا بر منابع سرشار انرژی در شرق میانه کنترل مستقیم داشته باشد. این منطقهٔ ثروتمند از جهان نه تنها منبع بزرگ مواد خام وانرژی در جهان است، بلکه بازار بسیار مساعد برای فروش جنگ افزار وسایر کالاهای تجارتی وصنعتی است. امریکا با حضور دراین منطقه هم ذخایر انرژی وهم بازار مصرف را کنترل خواهد نمود.

عراق دارای ذخایر نفتی معادل(۱۱۲،۵)ملیارد بشکه است وحتی اگر امریکا فقط نفت عراق را تحت کنترل خود داشته باشد خواهد توانست برقیمت انرژی در جهان اثر بگذارد واین تأثیر برتمام بخش های اقتصادی جهانی تأثیر خواهد داشت وسیطره اوپک بربازار نفت را از میان خواهد برد.

همین اکنون که هنوز جنگ در عراق به صورت کامل پایان نیافته ونا امنی در سطح گسترده موجود است شرکت های بزرگ امریکایی با اعزام کاشناسان خود به عراق در صدد ارزیابی میزان خسارات برصنعت نفت این کشور وچگونگی بهره برداری از آن اند.

کشور های اروپایی که از خطرات مسأله آگاهند با وسایل دست داشته سعی دارند به شکلی از این حالت جلوگیری کنند. یکی ازحربه های که کشور های اروپایی عضو شورای امنیت در اختیار دارند این است که تحریم اقتصادی در برابر فروش نفت عراق را همچنان حفظ کنند، زیرا شورای امنیت قبلاً به این توافق رسیده بود که فروش نفت عراق فقط به پیمانهٔ محدود برای خرید نیازهای اولیه مردم عراق مجاز است واین رای هنوز به قوت خود باقی است.

امریکا برای دست یابی به اهداف اقتصادی خویش به منفور ترین دیکتاتوردر شرق میانه حمله کرد واو را از اریکهٔ قدرت به زیرکشید، ولی به نظر می رسد که این آغاز کار است وامریکا برای رسیدن به هدف رسیدن به مصئونیت مطلق در عرصهٔ رقابت اقتصادی گامهای دیگری نیز در منطقه برخواهد داشت واین خود به تیره تر شدن پرده های ابهام به روی بسیاری از وقایع خواهد افزود. واقعهٔ یازدهم سپتامبر، مفقود شدن اسلحهٔ کشتار جمعی عراق وناپدید شدن کسانی که امریکا در جستجوی آنهاست. همانگونه که تا امروز کسی به درستی نمی داند که چراجان کنیدی رئیس جمهور پیشین امریکا وسپس برادرش رابرت کنیدی کاندیدای مقام ریاست جمهوری در آن کشور کشته شدند؟... از این راز ها مردم کوچه وبازار وحتی سیاستمداران نیز آگاه نخواهند شد. ازاین رازهای سربه مهرشاید سرمایداران آگاه باشند وبس!

جیحون

ریشهٔ فساد اداری در عدم تادیهٔ معاش مناسب برای کارکنان دولت می باشد

داشتن یک ادارهٔ سالم دولتی برای ملت رنجدیدهٔ مایک هوس نه، بلکه یک هدف استراتژیک می باشد. متأسفانه عده یی از این واژه به خاطر تظاهر وپوششی با عمال نادرست خود کار می گیرند. در حالی که درک داشتن یک ادارهٔ سالم با پایه های وسیع اجتماعی وپشتوانهٔ مردمی که در آن تمام تشنجات ومشکلات دیروزی وامروزی کشور ماحل گردد، راهی است به سوی وحدت ملی، ایجاد امنیت ومهیاشدن زمینه های بازسازی در میهن ویران شدهٔما.

ایجاد یک ادارهٔ سالم درکشور ما ایجاب زدودن غبار جنگ را از چهرهٔ ادارهٔ به میراث مانده از مظالم گذشته نموده، که لازمهٔ آن تحمل دشواری ها ورنجها وایثارگری واستقامت فرزندان این مرزوبوم در برابر ناملایمات می باشد.

این که در پی مقاومت فرزندان صدیق این کشور، درضمن توافقات بن ادارهٔ موقت در افغانستان نجات یافته از جنگ دهشت افگنان جهان معاصر(تروریستان) ایجاد گردید ومتعاقب آن در پی لویه جرگه جوزای۱۳۸۱ ادارهٔ انتقالی برمبنای خواست ملت وحمایت جهانیان ایجاد گردید، یکی از وظایف اصلی آن ایجاد ادارهٔ سالم در کشور بود، چیزی که خواست فرد فرد ملت مابود، اداره یی که روی مصالح افراد وفشار قدرتمندان نچرخیده، بلکه روی معیارهای قانونی حرکت نماید. اما باکمال تأسف تاحال در راستای شکل حکومت به آرای ملت مراجعه نشده است، امید در جنب ساختن قانون اساسی به نحوهٔ ادارهٔ آینده درکشور رأی ملت در نظر گرفته شود.

این که محترم وزیر صاحب مالیه عدم تأدیهٔ درست وبه موقع معاشات مامورین دولت را وابسته به عدم جمع آوری سالم مالیات وعدم فرستادن آن به مرکز دانسته و جمع آوری آن را از طریق حکومت مرکزی راه جلوگیری از فساد اداری دانسته اند، به جاست، اما این هردو کار مسوولیت وزارت مالیه بوده واز آن مهمتر تداوم عدم همکاری ولایات را می توان به عدم اعتماد آنها از مرکز حمل نمود، که در میان این کشمکش مامورین وکارکنان بیچارهٔ دولت سزاوار کشیدن بار این کشمکش شناخته شده اند.

این براولیای امور از جمله جناب وزیر صاحب مالیه است تا راه های شیوع وانتشار فساد اداری را باریشه یابی های واقعی آنها دریافته آغاز جلوگیری را نیز می توان از ادارات مربوط آن وزارت راه انداخت.

زیرا فسادی که درگمرکات، بانک ها و...جریان دارد واقعاً اسف انگیز می نماید.

در عین حال معیار معاشاتی که برای کارکنان دولتی ومامورین در نظر گرفته شده، به هیچ صورت تکافوی معیشیت یک ماههٔ یک فامیل را نمی تواند.

در همین حال اگر گراف نامتناسب بودن معاشات مامورین را در ادارهٔ واحد مد نظر گیریم خواهیم دید که عده یی باداشتن معاشات دلاری از سازمانهای بین المللی و.N.G.O ها ودسترخوان پولی یکماههٔ چندین برابر معاش یک سالهٔ مامور همکارش مسوول ایجاد زمینه های ناسالم شدن یک اداره خواهند بود.

اگر در کنار این مسایل ضرورت ها ومجبوریت های یک مامور دولت را در نظر گیریم، پی خواهیم برد که عدم تأمین عدالت سرتاسری در مورد معاشات مامورین ودر پیش گرفتن سیاست یک بام ودو هوا در ادارات دولتی خود عوامل فساد اداری بوده و برتداوم پامال شدن مستضعفین خواهد افزود.

افزون بر اینها سخنان جناب وزیر مالیه در ماسکو که اکثریت مامورین فعلی دولت را پسیف ورشوه خوار وبه درد نخور قلمداد نموده اند، جفای است در حق مامورین دولتی که سالیان درازی ظلم دستگاه های مزدور را کشیدند وبه علت نداشتن امکانات نتوانستند زبان انگلیسی بیاموزند یا به غرب سفر نمایند، شاید هم خصوصی سازی ارگان های دولتی دولت را به یک دستگاه باج گیر وتکس گیر مبدل ساخته و ایجاب نماید تا این نابه کارها(مامورین) ولو که در واقعیت کادرهای مومن ومتعهد این کشور نیر باشند، امید وزرای دولت به جای قصور خوانی ونمک پاشی برزخم های ناسور جامعه، مرهمی باشند برزخم های مردمی که یک عمر جفا دیده اند ورنج کشیده اند، تا با دست به هم دادن ویرانه های کشور را آباد سازند.

وآنان که در راه ما با جان ومال جهاد کردند محققاً آنان رابه راه خویش هدایت می کنیم و همیشه خدا یار نیکو کاران است
قرآن کریم

مجاهد

ارگان نشراتی جمعیت اسلامی افغانستان

- مجاهد می تواند مطالب را ویرایش کند.
- مطالب آمده مسترد نمی گردد .
- آرا واندیشه های مقالات غیر از سرمقاله لزوماً مبین آرا ومواضع جمعیت نیست.

شعار ما

رضای خداوند(ج) هدف ما
حضرت محمد(ص) رهبر ما
قرآن قانون ما
جهاد راه ما
شهادت در راه خدا از عالی ترین آرزوهای ماست

دور ششم سال اول شماره بیست وپنجم چهارشنبه ۱۷ ثور ۱۳۸۲ – ۵ ربیع الاول ۱۴۲۴ – 7 May 2003

کندهار ته زما سفر یو ملی...

له هر څه نه مخکي ملي وحدت او یووالي ته اړتیا لرو.

محترم استاد ددي پوښتني په ځواب کې چي آیا تاسو به په راتلونکو ټاکنو کې ځان کاندید کړي که نه؟ وویل: دهیواد دراتلونکي زعامت او کاندیدا په هکله به زمونږ تنظیم تصمیم ونیسي او داچي څوك به کاندید کړي هغه د تنظیم کار او پریکړه ده.

دیوې بلې پوښتني په ځواب کې چي آیا دغه سفر یو سیاسي سفر دي او موخه یې دخلکو د رایو جلبول دي؟ محترم استاد وویل:

لکه څنګه چي مخکې مي وویل دا یو سیاسي سفر نه دي، درایو او آراوود جلبولو له پاره نه دي، بلکي دا یو ملي سفر دي او دخپل ملت دوحدت او یووالي له پاره مي دغه پروګرام جوړ کړي دي.

په پای کې محترم استاد دهیواد ټول سیاسي، قومي او مذهبي مشران دملي وحدت او یووالي خواته راوبلل او ویې ویل: تیري پیښې باید بیا تکرار نه شي او هر څه شاته پریښودل شي او دیو نوي افغانستان دجوړولو له پاره باید په ګډه متې را ونغاړو.

همدارنګه محترم استاد غواړي چي خپل دغه ګټور سفر ته دوام ورکړي. دي چي ددوشنبې په ورځ هلمند ته رسیدلي وء د سه شنبي په ورځ لښکرګاه او فراه کې و، پرون شپه په زابل او ګرشك کې وء او نن به په خیر سره هرات ولایت ته ورسیږي او خلکو ته به د ملي وحدت لپاره بلنه ورکړي او له قومي او مذهبي مشرانو سره به کتني وکړي.

همدارنګه ویل شویدي چي محترم استاد ته ددغو ولایتونو د چارواکو او دسیمي د خلکو له خوا تود هرکلي ویل شویدي.

دملکی هوایی چلند وزیر له ایرانی مقاماتو سره وکتل

دافغانستان د انتقالي اسلامي دولت د توریزم او ملکي هوایي چلند د چارو وزیر میرویس صادق له ایراني چارواکو سره دکتني په مهال له نوموړي هیواد څخه غوښتنه کړي ترڅو د افغانستان دهوایي ډګرونو په بیارغاونه او د توریزم او هو ایي چلند په برخو کي خپلې پانګې ولګوي او زمينه يې وکړه چي ددوي پانګي به په افغانستان کي مصئوني وي. دیادوني وړ ده چي په هیواد کي شپږ هوایي ډګرونه دي چي بیارغاوني ته اړتیا لري.

دنوموړي وزارت د چارواکو په وینا د څلور سوه او اتیا ملیونو ډالرو په لګښت چي دامریکي او انګلستان دهیوادو لخوا ورکول کیږي د لوګر په ولایت کي به هم یو هوایی ډګر پرانیستل شي.

نشریه العالم الاسلامی شماره ۱۳۸۱ / ۲٤ فبروری ۲۰۰۳

ازدواج با محارم درامریکا طرفدار دارد

دریکی از کانال های تلویزیونی امریکا که غالبا در آن واقعیت های موجود در جامعه امریکا بازتاب می یابد، سریالی تحت نام "ازدواج با مامایم" به دست نشر سپرده شد کی طی آن یکی از دوشیزگان جوان اظهار کرد که با مامایش ازدواج کرده و امیدوار است از صلب وی فرزندی به دنیا آورد!! او در اظهار چنین مطلبی اصلاً تنگ و خطایی نمی بیند واز اعتراض مادر خویش نیز باکی ندارد و چون مادرش قبل بر آن آنگاه که شوهرش با همین دختر همبستر می شد اعتراضی نه کرده بود:

چقدر مایه تاسف است که انها به قوانین وعرف انسانی وقعی نمی گذارند و باور دارندکه هرچیزی در شهر آزادی بایستی مطابق معیار آزادیی که خود وضع کرده اند سنجیده شود چنانچه گفته می شود همان مامایی که دیگر دماد شده بود!! هنگام ورود به سالون عروسی مورد پرسش خبرنگاری قرار می گیرد که چر از میان هزاران زن خواهر زاده اش را به زنی انتخاب نموده است؟ او با افتخار می خندد و پاسخ می دهد که وی را دوست دارد.

خبرنگارباز متی پرسد که درموردقانون، عادات وتقالید ومحرمات چه می گویی؟ جواب می دهد که مادر امریکا هستیم، شهر آزادی ودرحریت کامل بسر می بریم هر کاری بخواهیم انجام می دهیم چون آزادی ودیموکراسی است . ما افتخار داریم که به ملتی چون امریکا که این همه آزادی برای مان هدیه داده است منسوب می باشیم.

در این حال حاضران همه به نشانه تأیید گفته های موصوف کف زدند!!

پرویز مشرف:

اسامه شاید در پاکستان باشد

به گزارش روزنامه لاس وی گرسن، جنرال مشرف رئیس جمهور پاکستان در مصاحبه یی با شبکه تلویزیونی بریتانیا گفته است که اسامه بن لادن شاید در پاکستان باشد. وی گفته است که شاید بن لادن در منطقه قبایلی پاکستان در مواضع مستحکم در نزدیکی سرحد افغانستان به سر برد. مشرف گفته است اردوی پاکستان در آن جا مصروف عملیات است و از مردم قبایل خواسته است در مورد دستگیری اسامه همکاری کنند. روزنامه پاکستانی جنگ گزارش می دهد که دانیل فرد خبرنگار والستریت ژورنال در سال گذشته به خاطری در پاکستان به قتل رسید که راز خطرناکی را در مورد ارتباط پاکستان با افراطیون کشف کرده بود. این روزنامه می گوید، تحقیقاتی که به عمل آمده است نشان می دهد که دانیل فرد حقایقی را کشف کرده بود که پاکستان می خواست برای همیشه نهفته بماند.

ترجمه قرآن به زبان ایرلندی

برای بار اول ترجمه قرآنکریم مستقیماً از عربی به زبان ایرلندی آغاز شد. خانم لیزا، سخنگوی مرکز فرهنگی مسلمانان در دوبلین پایتخت ایرلند هفته گذشته با نشر این خبر گفت:شاید تا یکسال پروسه ترجمه قرآن کریم تکمیل گردد.

آخرین شمارش نشان میدهد جامعه اسلامی نسبت به دیگر جوامع مذهبی درحال رشد وگسترش در ایرلند می باشد.

نفوس مسلمانان درجمهوری ایرلند ۱۸۰۰۰ نفر بوده که ۱۲۰۰۰ آن در پایتخت آن کشور یعنی دوبلین زندگی می کنند.

از نامه های آمده

پر امنیتی پوستو خلک باور نه لری

دهیواد لویې لارې له امنیتي پلوه خوندي نه دي. په داسي حال کي چي پر دغولارو دورځي په زرګونه موټر تګ راتګ کوي، خولاهم غلاغلدي ورځني عادي پیښي دي او په دي اړه امنیتي مسئولینوهم کوم دپام وړ ګام نه دي اخیستي اونه د غلواولاره وهونکو مخه نیول شوي ده. پردي لارو دشپي سفر خو هیڅ امکان نه لري بلکي په رڼا ورځ داسي پیښي را منځ ته کیږي ، چي پر انسان وژنه تمامه شي، یوه له دي لاروڅخه دکابل کندهار لویه لاره ده چي پري دورځي ګڼ شمیر لوي او واړه موټر تګ راتګ کوي، څو ورځي مخکي ماهم پردي لاره یو سفر درلود چي له یو ي ناوړي سره مخامخ شوم زمونږ موټر چي له کندهاره کابل ته په لاره و، دکلات په سیمه ، سهار و ختي ، ددوه کسووسله والو له لوري ودرول شو، او پر ته له پوښتني یي له موټر څخه ښکته کړو او چي څه یي را سره لیدل هغه یي رانه واخستل ، له موټر سر ه یو تن مسافر له څو کلووروسته له ایرانه خپل کورته روان و، ددي مسافر د څو کلو نو غریبي اومزدوري محصول یي ورنه واخیست . مسافر چي ډیر احساساتي ښکاریدبله چاره یي ونه لیده. دیوتن غله و سلي ته یي لاس واچاوه، څو دغله بل ملګري په کنداغ وواهه: خوده بیا غله ته بله غوټه ورکړه، چي په دي کي غلو هوایي ډزي و کړي ، او خبره کش و ګیرته ورسیده، چي زمایه شمول نورو مسافروهم دایراني مسافر دخلاصولو هڅه وکړه. څو غلو داسي وانګیر له چي ښایي مسافرو دانتقام هڅه کړي وي . نویي مخامخ ډزي پیل کړي. مونږ ټول په دوړو او خاورو کي پټ شوو او په دي کي یي له مسافرو اخیستي ټول بکسونه او بستري زموږ د سپرلي موټر ته پورته کړل او غله په خپله مخه و تښتیدل، څو مونږ ته یي په سپیره دښته دوه مسافر مړي پریښودل ، تواوس دي ډول پیښو عام اولس په ځانګړي ډول مسافروته د سر اومال خطر پیدا کړي په سیمه کي نسبي سولي خلك شکمن کړي. دا ډول پیښي د سیمي د خلکو په خبره پخواهم مو جودي وي څو اوس عام خلك په داسي پیښو کي دامنیتي مسئولینو لاس ګډ بولي او وایي چي دا ډول پیښي غالباً په سیمه کي امنیتي پوستوته نږدي تر سره کیږي ، چي باید مخه یي ونیول شي او د داډول پیښو مسئولین مجازات او د قانون منګو لوته و سپارل شي.

حیدر

در "مجاهد" اشتراک ورزید

جریده "مجاهد" درسال ۱۳۸۲ خورشیدی مشترک می پذیرد

بهای اشتراک سالانه:

در مرکزوولایات	۲۰۰ افغانی .
درخارج ازکشور	۱۰۰ دلار امریکایی.

بهای اشتراک شش ماهه:

درمرکز وولایات	۱۰۰ افغانی.
درخارج از کشور	۵۰ دلار امریکایی.

برای شاگردان ومحصلان نصف قیمت.

علاقمندان می توانندبه اداره جریده "مجاهد" تماس بگیرند.